

اندیشه سیاسی متافیزیکی و پسا متافیزیکی

نشست نقد و بررسی رساله «نسبت و رابطه اندیشه سیاسی متافیزیکی و اندیشه سیاسی پسا

متافیزیکی»

انجمن علوم سیاسی ایران، مهرماه ۱۳۹۳

www.drmahmoudi.com

گزارشی از اولین جلسه نقد و بررسی رساله دکتری در انجمن علوم سیاسی ایران که به بررسی رساله «نسبت و رابطه اندیشه سیاسی متافیزیکی و اندیشه سیاسی پسامتافیزیکی» اختصاص داشت. این جلسه در تاریخ سه شنبه ۱۳۹۳/۷/۱۵ با حضور آقایان دکتر سید علی محمودی و دکتر رضا نصیری حامد (نویسنده رساله) و جمعی از دانشجویان علاقه مند برگزار شد. در ادامه، گزارش کوتاهی از این نشست آورده می شود.

در این نشست، نخست پژوهشگر رساله با ارائه گزارشی از ساختار کلی پژوهش، دغدغه تحقیق را بررسی چرایی بحران متافیزیک در روزگار ما دانست. وی با اشاره به نقدهای متعددی که از متافیزیک به مثابه نگرش و باور انسانی درباره هستی و جهان موجود به عمل آمده است بدین نکته اشاره نمود که به نظر می رسد که عمده و شاید تمامی نقدهای وارد بر متافیزیک، سلبی بوده و تنها بنا دارند چیزی را که برای آنها مشکل ساز شده است نقد نمایند. مطالعه در تاریخ تحولات فکری نشان از آن دارد که دیدگاه‌های متعددی اعم از پوزیتیویسم، پراگماتیسم، دیدگاه مبنی بر آرای نیچه، هرمنوتیک و تفسیرگرایی، دیدگاه‌های پست‌مدرن‌ها مخصوصاً دریدا و ... هر یک به نحوی در زیر سوال بردن و یا ایراد نقدهایی اساسی بر متافیزیک نقش داشته‌اند. همچنین باید از کانت یاد نمود که با نقد نظریه تجربه‌گرایان، مجال و عرصه‌ای را برای متافیزیک در نظر می‌گرفت ولو اینکه قابل اثبات علمی نبوده باشد. اما بررسی بیشتر نشان داد در این میان به تدریج اندیشه‌هایی در حال تکوین بوده و هستند که علاوه بر این جنبه و بعد سلبی، به اندیشه‌ای با مشخصات و ویژگی‌های خاصی می‌رسند که از آن با عنوان اندیشه پسامتافیزیکی یاد شده است. به طور مشخص یورگن هابرماس چهار عامل و ویژگی را مسبب ایجاد این اندیشه بیان کرده است که عبارتند از:

۱. چرخش زبان‌شناختی

۲. عقلانیت مشروط و موقعیت مند

۳. وارونه شدن اولویت تئوری بر عمل

۴. فائق آمدن بر کلام محوری و لوگوسنتریسم.

در ادامه مولف رساله متذکر شد که هر یک از این عناصر تأثیرات خود را بر جنبه‌های مختلف اندیشه‌ورزی معاصر مخصوصاً در قلمرو تأملات سیاسی گذاشته است. برای نمونه در شرایط جدید، پارادایم زبان جایگزین پارادایم آگاهی شده است و سوژه مورد بازتعریف واقع شده است و به جای سوژه‌ای منفرد و استعلایی، روابط بین‌الذات‌های اهمیت یافته است. در نتیجه، عقلانیت نیز امری مربوط به رویه و پروسه تعاملات انسانی است نه ویژگی شخص و فرد تنهایی همچون سوژه. همچنین در بسیاری از مواقع این عمل و کنش انسانی است که نظر و تئوری را معین و مشخص نموده و بدان مشروعیت می‌بخشد.

در ادامه به بررسی مولفه‌های این اندیشه در نزد دو تن از متفکران سیاسی معاصر یعنی ریچارد رورتی از سنت پراگماتیسم و جان راولز از سنت لیبرالی پرداخته شد. درباره رورتی به طور مشخص نفی نظریه تطابق حقیقت، فرود آمدن فلسفه از صدرنشینی به همنشینی با دیگر علوم و معارف انسانی، نقش زبان در ارتباط بین انسانها به عنوان اصلی‌ترین ویژگی آدمیان، نفی غایت‌مندی و تلاش در گسترش روابط فیما بین انسانها با محوریت امید اجتماعی و نیز تقویت همبستگی مبتنی بر کاهش آلام بشری جزو مشخصات فکری وی بیان گردید. درباره جان راولز نیز مشخصاً دغدغه وی در مورد عدالت در متن اندیشه‌های لیبرال مورد توجه قرار گرفته و به تأکیدی اشاره شد که وی در مراحل مختلف اندیشه‌ورزی خویش مبتنی بر آن تلاش دارد تا از ارائه آموزه جامع و فراگیر برای همه حیطه‌ها که ناگزیر متافیزیکی خواهد بود، پرهیز نماید و به اجماع همپوشانی مبتنی بر سلايق و تکثر کنونی برسد. در ادامه به تحولاتی که در عرصه سیاست و امر سیاسی حادث شده و زمینه طرح این اندیشه را در این حوزه برجسته نموده است، نیز اشاراتی شده و در نهایت راهی را که از مطالعه این اندیشه گشوده می‌شود، خاطر نشان کرد که نسبت و رابطه ما با این اندیشه با اذعان به اینکه شاید بتوان گفت متافیزیک‌ها و نه یک متافیزیک خاص وجود دارد، چه می‌تواند باشد؟

در خلال و بعد از بحث‌های پژوهشگر، دکتر سید علی محمودی به عنوان استاد منتقد در جلسه، با اشاره به فلسفه نظری کانت، نخست به تبیین دو ساحت فیزیک و متافیزیک (مابعد الطبیعه) یا دو سپهر فنومن و نومن پرداخت، با این توضیح که فنومن (جهان پدیدار)، فهم پذیر و نومن (جهان ناپدیدار)، فهم ناپذیر، اما باور پذیر است. وی سپس این پرسش را مطرح کرد که وقتی جهان متافیزیک فهم ناپذیر است، چگونه از «اندیشه سیاسی متافیزیک» در این رساله سخن رفته است؟ اندیشه در ذات خود فهم پذیر است. ما اندیشه فهم ناپذیر نداریم. اگر گفته شود که بعضی، متافیزیک را با دانش و اندیشه فهم پذیر درآمیخته اند، پس باید از متافیزیک عبور کرد، این سخنی غیرمنطقی و ناصواب است. اشکال کار این اشخاص آن است که دو سپهر نامتجانس را باهم مخلوط کرده اند؛ مانند اینکه بخواهند آب و روغن را به هم بیامیزند! جهان اندیشه، جهانی فهم پذیر و بین‌الذهانی است و نمی‌تواند با جهان متافیزیک - که فهم ناپذیر است - ترکیب شود. بر این اساس، می‌توان از سویی در جهان پدیدار - که منزلگاه اندیشه و دانش است -، به بررسی اندیشه سیاسی که با دانش بین‌الذهانی سرو کار دارد، و از سوی دیگر، به جهان ناپدیدار (متافیزیک) - که وجه استعلایی دارد -، پرداخت. در آمیختن فیزیک و متافیزیک ناممکن است، چرا که اولی فهم پذیر و در قلمرو آزمون ممکن است و دومی فهم ناپذیر و از این رو آزمون ناپذیر است. وی در ادامه افزود: انتقاد از اختلاط دانش و متافیزیک از سوی بعضی اشخاص درست است، اما لازم است توجه داشته باشیم که این موضوعی تاریخی و جامعه شناختی است، نه بحثی نظری. بنابراین، مقدمه ای نادرست («اندیشه سیاسی متافیزیک»)، ممکن است ما را به نتیجه ای نادرست («اندیشه سیاسی پسا متافیزیک») بکشاند. مگر متافیزیک عرصه را بر جهان دانش و اندیشه تنگ کرده است که از متافیزیک عبور کنیم و به پسا متافیزیک پناه ببریم؟ تاکید می‌کنم که موضوع‌های متافیزیکی با موضوع‌های علمی و فکری، تفاوت ماهوی دارند. گزاره‌های علمی و فلسفی، فهم پذیر و آزمون پذیر اند؛ مانند: نظریه‌ها، روش‌ها، قضیه‌های منطقی، و هم چنین حجم، وزن، سرما، گرما، سبکی و سنگینی. اما گزاره‌های متافیزیکی، فهم ناپذیر و آزمون ناپذیر اند؛ مانند: خدا، وحی، فرشته، برزخ، بهشت و دوزخ. بنابر این، متافیزیک مزاحمتی برای عالم عینی و واقعی - که سیاست نیز جزء آن است - پدید نمی‌آورد. سیاست علم است و ساحت

اندازه گیری و حساب و کتاب. درآمیختن سیاست با متافیزیک، برای حکومتگری و ادارهٔ بسامان جامعه، سم مهلک است. این سخن به معنی انکار متافیزیک و رد تأثیرات آن بر زندگی بشر، در اعتقاد باورمندان و مومنان نیست.

جلسه با پرسش و پاسخ حضار محترم ادامه یافت که عمدتاً ناظر به ایضاح روند شکل گیری اندیشه سیاسی پسامتافیزیکی بود از جمله اینکه این اندیشه و سبب طرح آن همچون هر اندیشه دیگری برخاسته از امکانات و ظرفیت‌هایی است که در اختیار ما قرار می‌دهد از آن گذشته بخش مهمی از این اندیشه در شرایطی شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد که آدمی به انسانی و برساخته بودن متافیزیک و مولفه‌های متافیزیکی اندیشه‌خویش واقف شده و آن‌گاه درصدد درانداختن طرحی نو می‌شود.